

الهه حیدری Elahe Heydari



مهمانی تمام شد، حالا میتوان نشست و جرعه‌ای آب نوشید. این را صندلی‌های نقاشی‌های الهه حیدری میگویند. در کارهای حیدری از آدمها نشانی نیست. همه رفته‌اند و صندلی‌ها جای آنها را گرفته‌اند. فضا تاریک و پرتنش نیست. نوستالژیک هم نیست. رنگها ملایم و آرامند. مثل اینکه زمان متوقف شده و قرار نیست اتفاقی هم بیفتد. کسی نمیداند. شاید پیش از آنکه صندلی‌ها مانند ساقه‌های گیاهی شکنده قد بکشند و به جای آدمها دور میز بنشینند، اتاق پر بوده از زنها و مردها بانورهای تند قرمز و نارنجیشان، اما اکنون همه رفته‌اند و اینطور به نظر میرسد که دیگر هرگز باز نخواهند گشت.

صندلی در نقاشیهای الهه حیدری نشانگر انسان معاصر است. شی‌کامگی انسان معاصر تا آنجا پیش رفته که شی جایگزین انسان شده و همانند انسان معاصر شکنده و بسیار ناپایدار است. خطوط نازک، صاف و موازی صندلی‌ها از محتاط بودن و درعین حال شکنندگی آنها نشان دارد. پایه صندلی‌ها بلند است و در جاهایی حتی لرزان به نظر می‌رسد. مثل اینکه صندلی‌ها برای رسیدن به ارتفاع میز تلاش می‌کنند. میز نمایانگر زندگی مدرنیست که انسان معاصر تلاش در دستیابی به آن دارد و در عین حال تنها دستاویزیست که انسانهای تنها را به هم نزدیک می‌کند. در یکی از نقاشی‌ها که شامل مجموعه‌ای از چهار نقاشی متصل در قطع بزرگ است، میز مستطیل شکل درازی که پایه‌هایی مرتفع و شکنده دارد، با عرض باریک و خطوط افقی اش، خطوط عمودی صندلی‌ها را قطع می‌کند و مثل پلی صندلی‌ها را به هم ربط می‌دهد.

پنج قرن از آفرینش تابلوی شام آخر لئوناردو داوینچی گذشته است. عیسی و دوازده تن از حواریونش دور میز نشسته‌اند. ضیافت با شکوه نیست اما هرچه روی میز هست به طرز عادلانه‌ای تقسیم شده. حواریون در حال گفتگو و صحبت‌اند. سه پنجره در پشت میز نگاه را به افق می‌رساند. در شام آخر همه جلوه‌های زندگی را یک جا می‌توان دید. از اعتقاد و تقسیم و گفتگو و آرامش و صلح و امید تا اضطراب و خیانت و ترس و مرگ.

اکنون بعد از پنج قرن در اطراف میز کسی نمانده و صندلی‌ها جای انسانها نشسته‌اند. روی میز هیچ چیز جز لیوانهای خالی نیست. پنجره‌ای در اتاق نیست و سقف و پنجاهی هم نیست. با این حال در این میان یک چیز قطعی است: روی صندلی‌های الهه حیدری نمی‌توان نشست. تنها می‌توان به آنها نگاه کرد و به فکر فرو رفت.

الهه حیدری
متولد ۱۳۴۷، تهران

نمایشگاه های انفرادی:

۱۳۸۹ گالری اعتماد
۱۳۸۶ گالری ماه
۱۳۸۴ گالری اعتماد
۱۳۷۹ گالری منصوره حسینی
۱۳۷۶ گالری منصوره حسینی

نمایشگاه های گروهی:

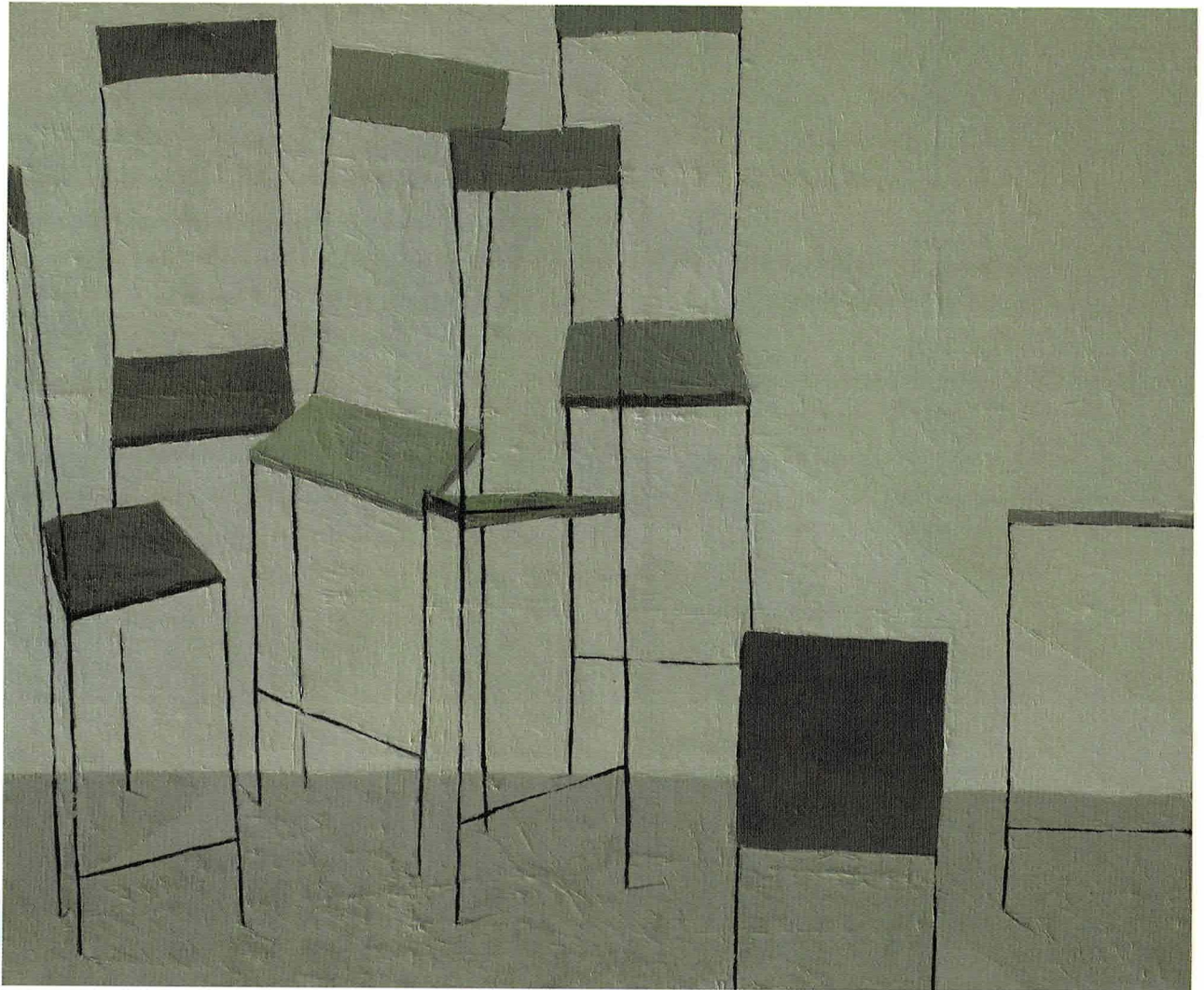
۱۳۸۸ گالری ماه مهر، فرانکفورت - تهران
۱۳۸۷ خانه هنرمندان فرانکفورت، تهران - فرانکفورت
۱۳۸۷ نمایشگاه نقاشی - لندن
۱۳۸۷ گالری اعتماد
۱۳۸۶ نمایشگاه طراحی دکتر سندوزی
۱۳۸۶ فرهنگسرای نیاوران - UN
۱۳۸۶ گالری ماه
۱۳۸۶ گالری آریا
۱۳۸۴ نمایشگاه نقاشی در موزه داکوا (لیسبون) و (پرتو) پرتغال
۱۳۸۴ گالری ماه
۱۳۸۴ چهارمین نمایشگاه بینال نقاشی در اصفهان
۱۳۸۳ نمایشگاه نقاشی در کالاکودا بمبئی، هندوستان
۱۳۸۳ نمایشگاه زنجان (گروه دنا)
۱۳۸۳ ششمین دوسالانه نقاشی موزه هنرهای معاصر تهران
۱۳۸۲ گالری آریا
۱۳۸۰ فرهنگسرای نیاوران، روز زن
۱۳۸۰ روز جهانی زن، خانه هنرمندان
۱۳۷۷ نمایشگاه نقاشی هفت ثمر
۱۳۷۷ نمایشگاه طراحی گالری برگ و گالری افرند
۱۳۷۴ دومین بینال نقاشی تهران، فرهنگسرای نیاوران

جوایز:

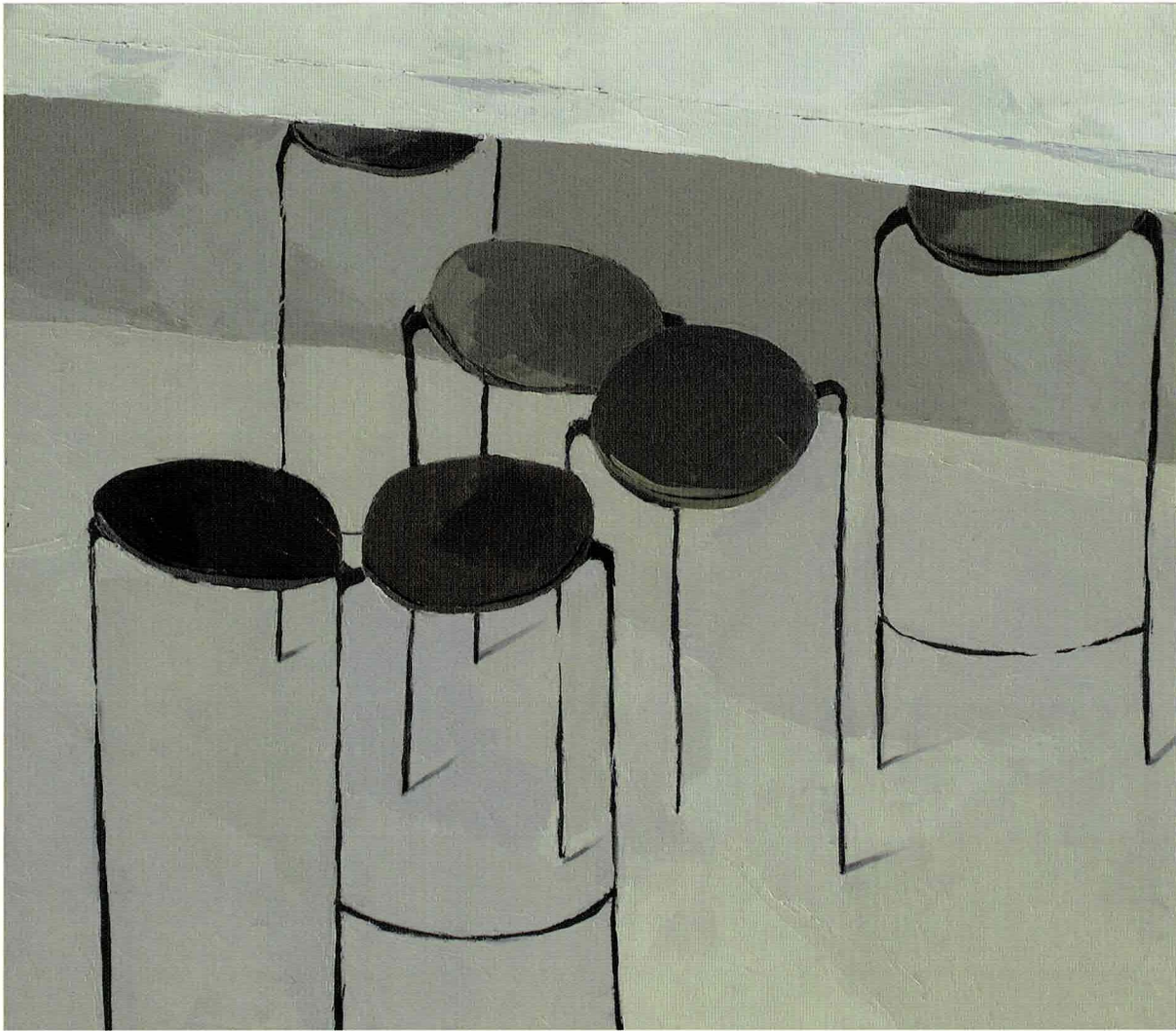
۱۳۸۶ برنده جایزه اول طراحی دکتر سندوزی
۱۳۸۴ برنده جایزه اول بینال نقاشی اصفهان



Oil on Canvas / 150 x 200 cm. / 2009



Oil on Canvas / 150 x 180 cm. / 2010



Oil on Canvas / 130 x 150 cm. / 2009

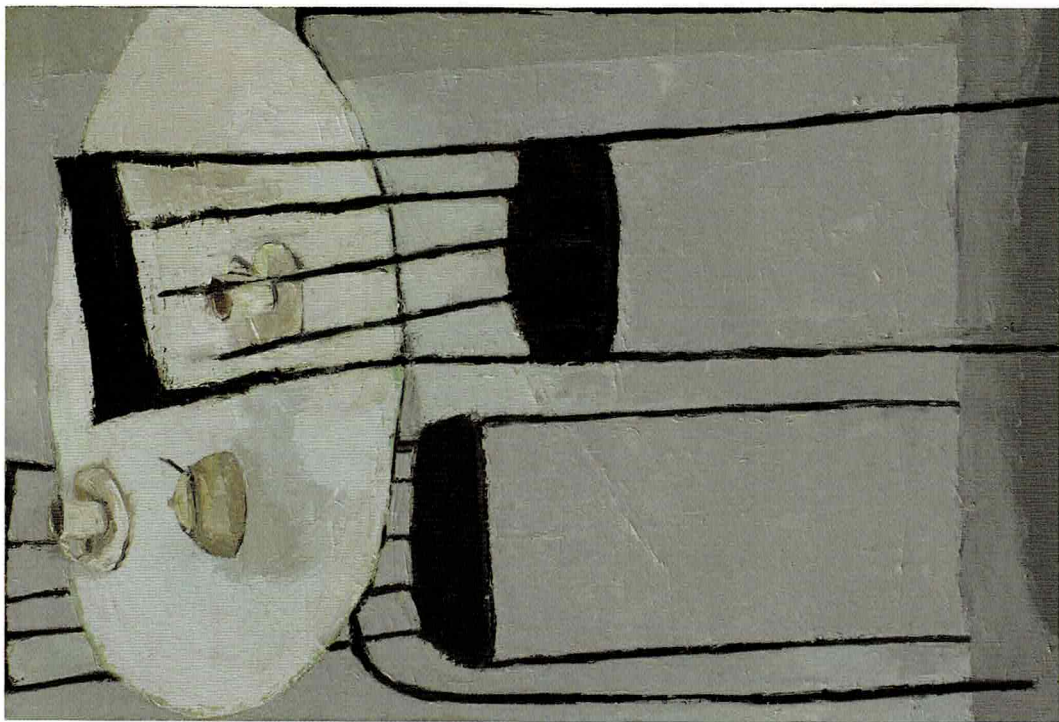


Oil on Canvas / 140 x 240 cm. / 2009
diptych (2 pieces)

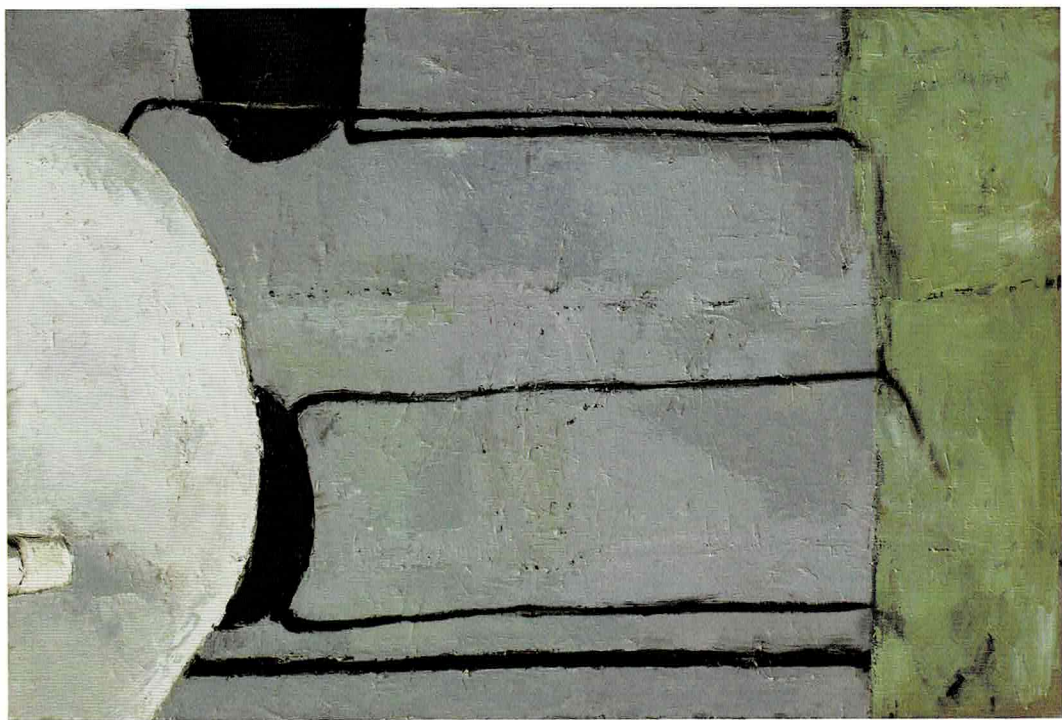




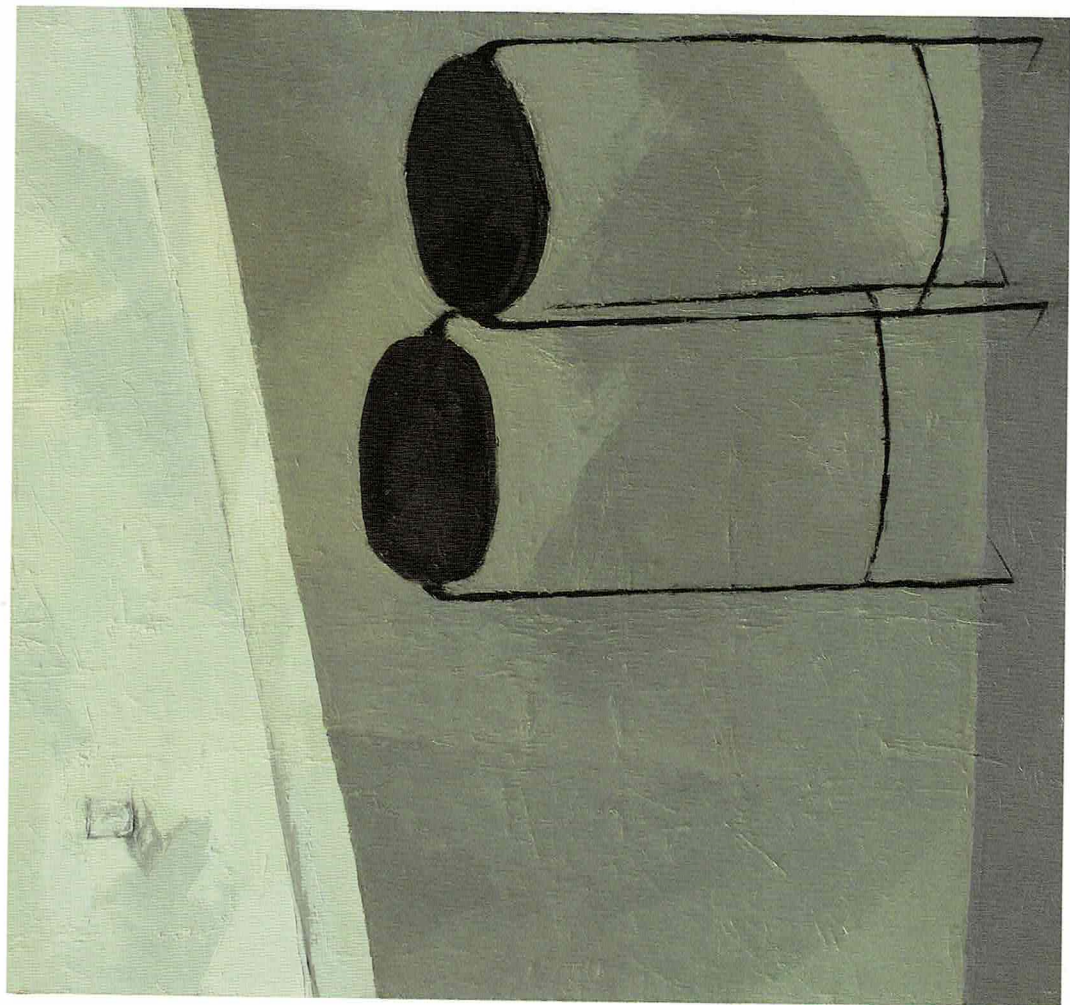




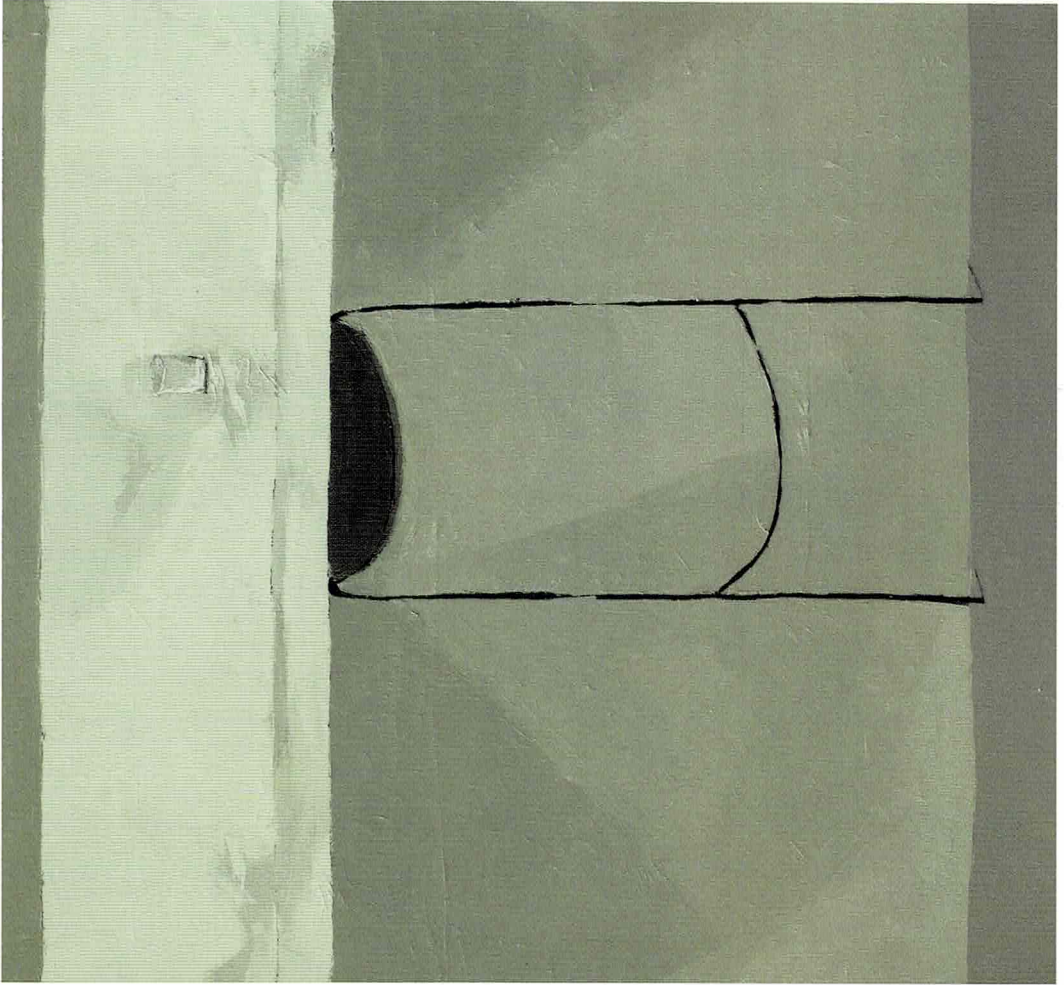
Oil on Canvas / 100 x 150 cm. / 2008

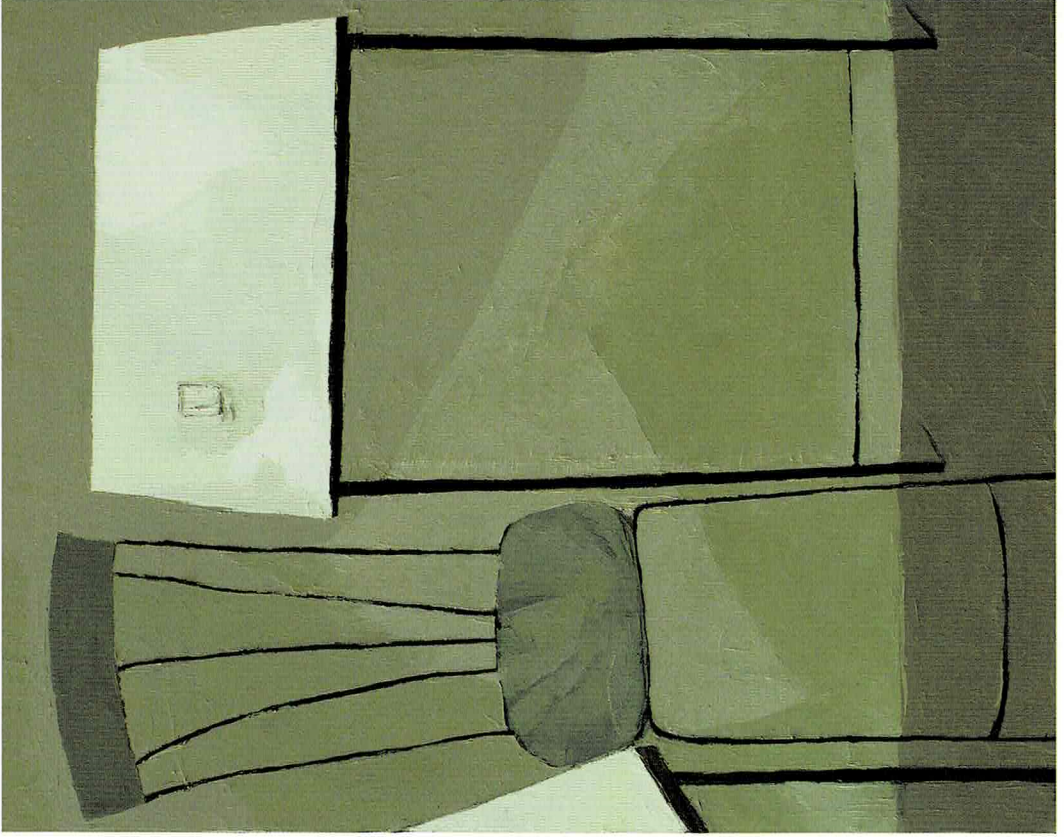


Oil on Canvas / 100 x 150 cm. / 2008



Oil on Canvas / 120 x 130 cm. / 2009





Oil on Canvas / 100 x 130 cm. / 2010

Elahe Heidari

Born 1968 / Tehran-Iran

Solo Exhibitions:

2010 Etemad Gallery

2007 Mah Gallery

2005 Etemad Gallery

2000 Mansoureh Hosseini Gallery

1997 Mansoureh Hosseini Gallery

Group Exhibitions:

2009 Mahe Mehr Gallery, Teheran, FRA-THR / THR

2009 Etemad Gallery, Drawing

2008 The Brick Lane Gallery, Iranian group exhibition, London

2008 The Artist House, THR-FRA / FRA - Exhibition with artists from Iran and Germany, Frankfurt

2007 Dr.Soundozi drawings festival

2007 Niavaran cultural centre by UN -Tehran, Iran

2007 Mah Gallery 2007Aria Gallery

2005 Iranian contemporary Art Exhibition-Museum Da Agua -Palacia Da Bolsa-Lisbon-Porto-Portugal

2005 Mah Gallery

2004 The 4th Isfahan painting Bienal

2004 In Zanzan city - Iran

2004 The 6th Tehran contemporary painting Biennial Tehran Museum of contemporary Art

2004 Kalagoda-Bombay - India

2003 Aria Gallery

2001 Niavaran Cultural Center

2001 Iranian Artists Centre - International women's day

1997 Haft Samar Gallery 1997 Barg Gallery

1997 Afrand Gallery 1995 The 2th Tehran contemporary painting Bienal

Awards:

2007 Dr soundozi drawing festival

2004 The 4th Isfahan painting Bienal

"The party has ended, now you can sit in peace and take a cool glass of water." This is what Elahe's painting of chairs convey. In her works there is no trace of people, everybody has left and chairs have taken their places. The room's atmosphere does not evoke sullenness, gloom or even nostalgia. Colours are mild and soothing. It seems, as though, time has stopped and nothing is supposed to happen. No one knows. Perhaps before the chairs grew tall, like fragile rambling plants and sat around the table in a kind of parody, the room was full of men and women with a dazzling glare of red and orange. But now all have gone, apparently never to return.

In Elahe's works chair is an allegory of the contemporary human. Objectification has reached such proportions that a "thing", an "object", has replaced people and exactly like them it has become so fragile and unstable. Fragility and timidity is inspired by the thin, smooth and parallel lines of chairs.

The chair legs are tall and some appear to wobble as they endeavour to reach the table height. The table represents modern life to which contemporary man strives to gain access while it provides the only excuse to bring together lonely human beings. In one of her works, consisting of a set of four big connected pieces, the long rectangular table with a narrow width and high, fragile legs cut across the vertical lines of chairs, acting as a bridge which connects the chairs together.

Five centuries have elapsed since Leonardo Da Vinci's "The Last Supper". Jesus and his twelve apostles are sitting around the table. Not a lavish banquet, but whatever there is on the table, is evenly shared, Apostles are conversing, three windows, behind the table allow a view of the horizon. In "The Last Supper", we witness all the facets of life: ranging from belief, sharing, conferring, peace, tranquility and hope to anxiety, fear, betrayal and death.

Now, after five centuries, no one has remained and chairs have replaced people. There is nothing on the table but few empty glasses. No windows either. No allusion to shelter in order to seek refuge. Nonetheless one thing is certain: you cannot sit on Elahe's chairs. You can only look at them and contemplate.

Azadeh Tahaei